

# دو نگرش، آسمانی و زمینی

انسان وقتی پا در زمین دارد چنان خود را بزرگ می‌پندارد که گویا بر همه چیز مسلط و بر مکان و زمان احاطه دارد، اما وقتی پایش از زمین کوتاه شد و از بالا به زمین و مافیها نگریست، می‌بیند که در مقابل عظمت هستی، ذره‌ای بیش نیست، آن وقت است که به عظمت و جلالت ربّ و خالق خود پی برده و از سویدای وجودش، تسبیح و تقدیس و تعظیمش می‌دارد.

و در حقیقت این یک اصل در تمام امور دنیوی می‌باشد، که وقتی به یک موضوع از بالا نگاه می‌شود هم تسلط به آن موضوع بیشتر می‌گردد و هم اینکه حجم و مقیاس موضوع به نسبت کمتر دیده می‌شود.

اما از بالا دیدن به دو گونه است:

✓ با چشم انسانهای آسمانی نگریستن

✓ با چشم انسانهای دنیوی نگریستن

چشم انسان آسمانی و اولیای الهی طوری نگاه کرده و می‌بیند که عظمت هستی و آنچه به اقتدار روح انسان مربوط می‌شود، در منظرش بسیار بالاتر از دنیا و مافیها خود را می‌نمایاند و در مقابل آنچه که مربوط به جسم و فیزیک انسان هست، خیلی نازل تر از آن؛ و نیز این چشم‌ها، تکاپوهای بیجا و غیر اولویت دار انسان‌ها را دیده و به حال آنان افسوس خورده و در صدد و در تلاش برای تغییر زاویه دید آنان برمی‌آید.

اما چشم انسانهای دنیوی، با وجود اینکه خود انسان است اما دیگر انسانها را بسیار پایین تر از خود می‌بیند و کرامت و عزت آنها را لِه کرده و درصدد تسخیرکردن و تحت فرمان خود درآوردن می‌باشد.

چشم انسانهای آسمانی بیشتر داشته‌ها و دانایی‌ها را می‌بیند و خوبی‌ها را در قاب خود منعکس می‌کند.

اما چشم انسانهای دنیوی به دنبال نداشته‌ها می‌گردد و داشته‌ها را یا ندیده، و یا اگر می‌بیند لذتی نمی‌برد.

چشم انسانهای آسمانی از زاویه ی کرامت و رحمانیت نگریسته و به

محض دیدن خطا و اشتباه و عیبی و ایرادی چشم فرو بسته و کریمانه رد می شود و در صورت صلاحدید کمک به برطرف شدنش می کند.

اما چشم انسانهای دنیوی، خطاها را با ذره بین نگاه کرده و آنها را بزرگتر از حد معمول دیده و توان چشم پوشی از عیوب دیگران را از خود نشان نمی‌دهند.

و کوتاه سخن اینکه از آیات متعدّد در قرآن کریم می توان نتیجه گرفت که خلقت جهان آفرینش، مقدّمه‌ی خلقت انسان بوده است و کل جهان هستی و آراستن زمین به نباتات و جانداران و جنگل و دشت و دریا، همگی زمینه سازی برای قدم نهادن انسان بر روی کره‌ی خاکی محدود است، این ادّعا در بدو امری مبالغه آمیز و خودبینانه می‌نمایاند اما در حقیقت همه‌ی موجودات جهان آفرینش، مسخّر او هستند و به گونه‌ای آفریده شده است که بتواند همه‌ی نیروهای طبیعت را تسخیر کند و از آنها به نفع خود استفاده کند.

حال، اگر این انسان در مشکلات این دنیای محدود خود را گرفتار کند و نتواند آنها را از مسیر حیات دنیوی خود کنار زند، عظمت دنیا را لمس نکرده و شاید خود نیز مسخر دنیا گردد، اما اگر با توجه به جایگاهی که خدا در نظام برایش قائل شده حرکت نماید، حتما هستی را با تمام عظمتش درک کرده و با قوانین هستی پیش خواهد رفت و ناچیزی و نازلی دنیا را دیده و خود را به خاطر آنها به ورطه‌ی هلاکت نخواهد انداخت بلکه پلی خواهد ساخت برای رسیدن به حیات باقی.